کوتاه از دیپلماسی

مقداری از پول‌مان را بازگردانده‌اند

● **خانه ملت:** وزیر امـور خارجه ضمن بیان اینکه روش‌های مختلفی بـرای بازگرداندن پول ایران از طریق تهاتر یا خرید از کشـورهای مورد نظر وجود دارد، گفت: اکنون چند کشـور مقداری از پول ما را بازگردانده‌اند. محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه با اشـاره به اقدامات این وزارتخانه برای اسـترداد ارزهای بلوکه‌شـده ایران در بانک‌های کشـورهای مختلف گفت: ما برای استرداد پول‌های بلوکه‌شده کشورمان مذاکره انجام می‌دهیم و در صورت لزوم از طریق شـکایت در دادگاه‌ها هـم این موضوع را پیگیری خواهیم کـرد. وی با بیان اینکه روش‌های مختلفی بـرای بازگرداندن پول از طریـق تهاتر یا خریدهایـی از کشـورهای مورد نظر وجـود دارد، تصریح کرد: انواع روش‌ها در این چند سـال برای بازگرداندن پول‌های کشورمان از دیگر کشورها پیدا شده و ما هم مطمئنا از آنها استفاده می‌کنیم. وزیر امور خارجه کشـورمان در پاسـخ به سؤالی مبنی بر اینکه آیا تاکنون نسـبت به بازگرداندن بخشی از مطالبات مالی خود از دیگر کشورها موفق بوده‌ایم، اظهار کرد: در برخی موارد بله، اکنون چند کشـور مقداری از پول ما را بازگردانده‌اند.

پروتکل‌های بهداشتی در پکن

● **ایسـنا:** محمد کشـاورززاده سـفیر ایـران در چیـن در صفحه توییترش نوشـت: امـروز در یک سـفر کاری در فرودگاه شـلوغ پکن با صحنه‌هایی مواجه شـدم که آموزنده بود. ورود مسـافر صرفا با ارائه برگ سـبز در اپلیکیشـن موبایل و متعاقبا چند مرحله چک بهداشـتی علیرغـم اینکه پکن ماه‌ها پاک اسـت. رعایت پروتکل‌های بهداشـتی تنها راه مقابله با کروناست. برای سلامت خودتان جدی بگیرید.

سخنگو به جمهوری آذربایجان می‌رود

● **ایسنا:** سیدعباس موسوی سخنگوی وزارت امور خارجه روز گذشته در نشست خبری خود در پاسخ به جابه‌جایی‌های پیش‌رو اعـلام کرد که «چندین سـفیر جابه‌جا می‌شـوند از جملـه در جمهوری آذربایجان و بنده به زودی عازم این کشور می‌شوم و جانشـین بنده هم رسـما معرفی می‌شوند». او همچنین در این نشسـت در پاسخ به سؤالی درباره احتمال سـفر مقامات ایرانی به لبنان گفت: سـفر یکی از مقامات بلندپایه کشـور در دستور کار است و در روزهای آینده اعلام می‌شود. چه با سفر و چه بدون سـفر همواره کنار لبنان هستیم و کمک‌های ایران به این کشـور ادامه دارد. او همچنین درباره موضـع ایران در مورد تحولات لبنان اظهار کرد: در حادثه لبنان، ایران از سـاعات اولیه در کنار ملت و دولت لبنان حاضر شـد و ابراز همدردی کرد. وزیر امور خارجه با همتای لبنانی خود تماس داشـتند و رئیس‌جمهـور محترم دسـتور تشـکیل یک تیم متشکل از برخی مسئولان و وزیران را صادر کردند. تاکنون چنـد هواپیما از کمک‌های ایـران به لبنان ارسال شـده و کمک‌های بیشـتر نیز در راه است. وی درباره برخی ادعاهـا مبنی بر دخالت ایران در انتخابات آمریکا گفت: ایران پیگیر افراد و جناح‌ها و احزاب در آمریکا نیسـت. ما بـه رفتار و منش و نوع تعامل آنها با خودمان توجه داریم. دولت‌های مختلـف با رویکرد مختلف در ۴۰ سـال گشـته را آزمودیم و تقریبا همه در آن مردود شدند. بنابراین بـرای ایران فرقی نـدارد چه فـردی و چه حزبی روی کار باشـد. نه دخالت می‌کنیـم و نه برایمان مهم اسـت اما اگر آنها احساس می‌کنند که ایران دخالت دارد، نشـان می‌دهد ایـران قدرت بزرگی است و عظمت ایران موجب می‌شود سیاست‌های آنها در قبال ایران شکسـت بخورنـد و بازتاب این شکسـت را در امور داخلی خود ببینند. سخنگوی وزارت امـور خارجه درباره پیامک‌های ارسـالی از سوی آمریکا برای برخی شـهروندان ایرانی گفت: محتـوای ایـن پیامک‌ها بی‌ارزش اسـت، ولی این اقدام تجاوز به حریم حقـوق خصوصی و حقوق اشخاص و شـهروندان ایرانی محسوب می‌شود و نشان می‌دهد که چقدر سطح فکر آمریکایی‌ها در ایـن زمینه و در نوع تعامل و برخورد با مردم ایران پیش‌پاافتاده و پایین است.

نگاهی به جانشین برایان هوک در تیم ترامپ

محکوم به تعامل با ایران، مسئول تقابل با ایران

روح‌اله نخعی: سه ماه مانده به انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا و دو ماه به موعد لغو تحریم‌های انتخاباتی ایران، هر اتفاقی در میان این دو کشـور بیفتد محل توجه رسـانه‌ها و ناظران می‌شود تا از میان آن نشانه‌ای برای رصد روند اتفاقات و شـاید تحولات پشت‌پرده بیابند. اسـتعفا یا برکناری ناگهانی برایان هوک از مسئولیت مدیریت برنامه‌های وزارت خارجه ایالات متحده علیه ایران، هم‌زمان با این دو مناسبت زمانی باعث شد بسیاری به این برداشت برسند که دوران سیاسـت اصلی ایالات متحده در قبال ایران یا همان «فشار حداکثری» به پایان رسیده و حالا هم‌زمان با مسئولش، خود سیاست هم بناست کنار رود تا دولت ترامپ وارد مذاکره با ایران شود و مسئله تحریم‌ها و برنامه هسته‌ای ایران و دیگر موضوعات اختلافی حل شوند و هر که به خانه خود رود. برخی حتی زمزمه‌های مربوط به «گشـایش اقتصادی» از سـوی دولت ایران را در همین راستا می‌دیدند. این تحلیل‌ها، البته با نادیده‌گرفتن دیگر علائم و نشانه‌ها از روابـط ایران و آمریکا و نگاه نادرسـت به صحنه سیاسـت داخلی ایران و آمریکا مطرح می‌شد اما اولین نکته‌ای که برای بررسی این معنا و به‌طورکلی معنای این تغییر در سـاختار سیاسـت خارجی آمریکا به کار می‌آید، بررسی جانشین اوست. چنان‌که نشسـتن جان بولتون به جای اچ‌آر مک‌مستر و بعد قرارگرفتن رابرت اوبرین به جای بولتون در جایگاه مشـاور امنیت ملی، به کار تحلیل رویکرد دولت ترامپ می‌آمد، اکنون برای بررسـی این تغییر جدید نیز شـاید بهتر باشد به جای نگاه به برکناری هوک در خلأ، جابه‌جایی او با آبرامز بررسی شود.

الیوت آبرامز کیست؟

الیوت آبرامز، حقـوق‌دان و دیپلمات نئوکان ۷۲سـاله آمریکایی، از زمان رونالد ریگان، از نیروهای سیاسـت خارجی جمهوری‌خواهان بوده اسـت. او را شـاید بتوان از لحاظ سابقه و مواضع سیاسـی با جان بولتون، دیگر مسافر نیمه‌راه قطار ترامپ مقایسـه کرد؛ بولتونی که در کتـاب اخیرش و در میانه انتقـادات مکرر از ترامپ و برخی اعضای تیم او، آبرامز را «دوسـتی قدیمی» توصیف می‌کند. آبرامز مانند بولتـون در دولت جورج دبلیو بوش از حامیان جنـگ عراق بود. او در دولت رونالـد ریگان و در دهه ۸۰ میلادی معاون وزیر خارجه، مدتی در جایگاه معاونت حقوق بشـر و بعد در معاونت روابط قاره آمریکا بود. آبرامز در پسـت حقوق‌بشـری‌اش مورد انتقـاد گروه‌های حامی حقوق بشـر و نیز گروه‌های مذهبی بود. دوران کاری او در زمینه کشـورهای آمریکای جنوبی نیز با انتقاداتی مشـابه همراه بود. تعاملات او با رهبرانی در آمریکای جنوبی که به دیکتاتوری و کشتار متهم بودند، از جمله مسائلی بود که انتقادات را برمی‌انگیخت و البته در همین عرصه هم بود که داستان پرحاشیه ایران- کنترا رخ داد و کار او را به دادگاه کشاند. بعد از حکم دادگاه، عفو توسط جورج اچ دبلیو بوش، او در دولت بوش پسـر دسـتیار ویژه رئیس‌جمهور در زمینه دموکراسـی، حقوق بشـر و عملیات بین‌المللی در شورای امنیت ملی شـد و سپس سمت مدیر ارشد شورای امنیت ملی در خاور نزدیک و آفریقای شمالی را نیز در اختیار گرفت. این انتصاب همان زمان هم با انتقاداتی مواجه شـد که سوابق آبرامز را نشـانه رفته بود. او در همان زمان با موضوع ونزوئلا هم درگیر شـد و گفته شد کودتای سال ۲۰۰۲ علیه هوگو چاوز، رئیس‌جمهور وقت ونزوئلا با حمایت او انجام شـده اسـت. در دولت دوم بوش، آبرامز در جایگاه معاون مشاور امنیت ملی در راهبرد دموکراسی بین‌المللی قرار گرفت و از همراهـان کاندولیزا رایس، معاون وقت وزیـر خارجه، در تعاملاتش در زمینه خاورمیانه بود.

ایران- کنترا- مک‌فارلین، رسوایی چندجانبه

ماجرای مک‌فارلین در ایران از ماجراهای مشـهور تاریخ سیاست است. از زاویه دید ایرانی، آن داستان به تعامل نیروهای سیاسی ایرانی با مذاکره‌کنندگان از سـوی طرف آمریکایی و در صدر آنها، رابرت مک‌فارلین، دیپلمات و مشاور اسبق امنیت ملی مربوط بود و نقش مقامات ایران. همان‌طورکه در ایران این ماجـرا جنجالی جدی به پا کرد، در طـرف آمریکایی اما دولت از چند زاویه از خطوط قرمـز عبور کرده بود. از طرفی، در این فراینـد دولت رونالد ریگان به سـراغ فروش و تحویل تسلیحات به ایران رفته بود که طبق قوانین آن زمان و نیز این زمـان ایالات متحده، خلاف قوانین و برخی منافع آمریکا بود. از طرف دیگر بنا بود سوی دیگر این توافق و نتیجه تعامل با ایران، به کار تأمین بودجه کنتراها، مخالفان راسـت‌گرای دولت سوسیالیسـت وقـت نیکاراگوئه بیاید.

حمایت از شورشـیان مخالف یک دولت سوسیالیست در قاره آمریکا، البته در راسـتای رویکرد دولت وقت آمریکا بود اما کنگـره آمریکا با تصویب قوانینی ادامـه حمایت از این گروه را ممنوع کرده بـود و از این جهت اقدام دولت از این زاویه نیز برخلاف تعهدات دولت بود. رسـوایی معـروف به ایران- کنترا در آن زمان با الهام از رسـوایی بزرگ «واترگیت» که از عوامل سـقوط دولت ریچارد نیکسـون، دیگر رئیس‌جمهور جمهوری‌خواه بود، به نام «ایران‌گیت» نیز مشهور شـد. رونالد ریگان در سخنرانی‌های تلویزیونی در این زمینه نهایتا مسـئولیت اقدامات انجام‌شده شـامل اقداماتی را که به گفته او بدون اطلاع وی پیگیری شـده بود، پذیرفت و از مردم عذرخواهی کرد. گرفتارشدن آبرامز در این پرونده اما به نقش او در تلاش‌ها برای مدیریت ضربه سیاسی واردشده مربوط بود. او در تحقیقات کنگره و در جلسـه اسـتماع در این زمینه چندین بـار اطلاع از هر گونه تلاش برای تجهیز کنتراها در نیکاراگوئه را انکار کرد اما بعدها تحقیقات در این زمینه نشان داد او از تعاملات با ایران و نیکاراگوئه در ایـن زمینه و تلاش‌های اولیور نورس، از نیروهای شـورای امنیت ملی آمریکا در ایـن زمینه آگاه بوده اسـت. بابت این دروغ‌گویی بـه کنگره و خودداری از همکاری، آبرامز محکوم شـد. حکـم او البته جریمه انـدک ۵۰ دلار، آزادی مشروط به مدت دو سال و صد ساعت خدمات اجتماعی بود، اما صرف‌نظر از شدت این حکم، صرف این محکومیت به نقطه‌ای مهم و کلیدی در کارنامه او تبدیل شد که هم نقش او در رسوایی ایران‌گیت را برجسته می‌کرد و هم عدم همـکاری او با نهادهای ناظر را. آبرامـز البته کمی بعد از صدور این حکم، از سوی رئیس‌جمهور بعدی جمهوری‌خواه، یعنی جورج بوش شماره ۴۱، عفو ریاست‌جمهوری دریافت کرد اما برجستگی این نقطه در کارنامه او باعث شد انتصاب او به سمت جدید در زمینه ایران از سوی بسیاری از رسانه‌های آمریکا با تیتر «انتصاب محکوم ماجرای ایران- کنترا» گزارش شود.

منتقد ترامپ به کابینه‌اش می‌پیوندد

آبرامز پیش از پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاسـت‌جمهوری سـال ۲۰۱۶ از جملـه منتقدان او بود و پیش‌بینی شکسـت سـنگین او را می‌کرد. این مسـئله البته برای شخص رئیس‌جمهور مهم شـد؛ تا جایی که در سال اول دولت ترامپ و زمانی که رکس تیلرسـون، وزیـر خارجه وقت آمریکا او را برای سـمت معاونت در نظر گرفت، ترامپ با وجـود حمایت‌هایی که در حلقه مشـاورانش از او می‌شـد، با انتصاب او مخالفت کرد. دو سال بعد اما وزیـر خارجه بعدی، مایک پمپئو که اکنون هم این سـمت را در اختیار دارد، آبرامز را به عنوان نماینده ویژه در امور ونزوئلا انتخاب کرد؛ یعنی عملا همتای برایان هوک در زمینه ونزوئلا. این انتصاب البته مانند انتصاب او در دولت بوش با زنده‌شدن بحث سـوابق آبرامز همراه بود و انتقادهایی را به‌همراه داشت. معروف‌ترین ایـن منتقدان، ایلهـان عمر، نماینده جـوان دموکرات مجلس نمایندگان بود که در جلسـه استماع صراحتا به سوابق منفی حقوق‌بشری او در تعامل با نیروهای سیاسـی و شورشـی در آمریکای جنوبی و نیز سابقه او در دروغ‌گویی به کنگره که باعث حکم دادگاه علیه او شـده بود، اشاره کرد و او را گزینه نامناسـبی در این زمینه خواند. این مسئله به‌خصوص از این لحاظ اهمیت داشـت که پرونده‌های مورد انتقاد او در آمریکای جنوبی در تقابل با دولت‌های سوسیالیسـت بود و حالا نیز او برای مقابله با دولت سوسیالیست نیکلاس مادورو منصوب می‌شد، یعنی برای همان مأموریتی که پیش‌تر به آن شکل مدیریت شده بود.

آبرامز در ونزوئلا، همانند هوک در ایران

انتصاب آبرامز به مسئولیت مدیریت سیاست آمریکا در قبال ونزوئلا البته با کارنامه موفقی همراه نشـد تا حدی که مرور کارنامه او و کارنامه برایان هوک در قبال ایران، خلاصه مشـابهی به دست می‌دهد. دولت آمریکا در سال‌های صدارت ترامپ با ابزار تحریم به ونزوئلا نیز فشـار آورد، البته با این تفاوت که در زمینه ونزوئلا، یک چهره سیاسی برجسته از درون ساختار حکومتی ونزوئلا، یعنـی خوان گوایدو، رئیس مجلس این کشـور نیز به عنـوان گزینه مطلوب ایالات متحده و متحدانش برجسـته شـد و تعامل با او پی گرفته شد اما در نهایت دولت نیکلاس مادورو بر جای خود ماند. در واقع همین هفته گذشته بود که در جلسـه استماع کمیته روابط خارجی سنا در زمینه ونزوئلا، از میت رامنی جمهوری‌خواه تا کریس مرفی دموکرات آبرامز را بابت سیاسـت‌های واشـنگتن در قبال کاراکاس و ناکامی‌های آن به باد انتقاد گرفتند. آبرامز البته در آن جلسـه در پاسـخ به انتقادها گفت سیاست دولت ترامپ در این زمینه همچنـان ادامه پیدا می‌کند و او امیدوار اسـت نیکلاس مادورو در نهایت زیر فشارها سقوط کند. روایت آبرامز در این جلسه و انتقادهای مطرح‌شده از او به نحوی بود که می‌شد گفت تفاوت عمده آبرامز و هوک در این زمینه این شد که فرصت هوک به پایان رسید اما آبرامز علاوه بر ادامه کارش در زمینه کاراکاس، حالا مسئول پیگیری سیاست دولتش در قبال تهران نیز شده است.

آبرامز البته در مدیریت سیاست ونزوئلایی دولت آمریکا نیز با ایران برخورد داشـت. ماجرای نفتکش‌هایـی که از ایران به ونزوئلا رفتنـد، در دوران او به مسئله‌ای برجسته در سیاست خارجی آمریکا تبدیل شد و البته وقتی علی‌رغم همه حملات لفظی و تهدیدات، ماجرا طبق خواست تهران و کاراکاس پیش رفت، همین سروصداهای رسانه‌ای واشنگتن باعث شد ماجرا به یک پیروزی رسانه‌ای بزرگ برای دو دشمن ایالات متحده تبدیل شود.

آبرامز برای تعامل انتخاباتی آمده است؟

با مرور این روندها، حالا به سـؤال اصلی می‌رسـیم. آیا آن‌طور که برخی، خوش‌بینانـه یا بدبینانه تصور می‌کردند آبرامز برای توقف فشـار حداکثری و تعامل با ایران برای امتیازگیری در آستانه انتخابات آمده است؟ همه نشانه‌ها حاکی از یک پاسـخ منفی قاطع به این سؤال است. در واقع اگر بنا باشد رفتن هوک و آمدن آبرامز معنایی از زاویه راهبرد آمریکا در قبال تهران داشته باشد، آن معنا تنها ممکن اسـت تشدید فشارها و به‌کارگیری ابزارهای جدی‌تر علیه ایران باشد، نظر به اینکه آبرامز، سابقه‌ای بسیار قاطع‌تر از هوک در این زمینه‌ها دارد و در دوران کاری خـودش نشـان داده، کم‌وبیـش همانند بولتون، کمتر ابزاری را در جعبه ابزار بین‌المللی ایالات متحده، آن سوی خط قرمز می‌داند. در واقـع، تعامل ایران- کنترا با نقش‌آفرینی او نیز نه از زاویه تمایل به تعامل با ایران بلکه بیشـتر از این زاویه قابل تحلیل است که در تمرکز برای مقابله با شوروی سابق و دولت چپ‌گرای نیکاراگوئه، نئوکان‌هایی مثل او حاضر بودند حتی با پای‌گذاشتن روی چند قانون مصوب کنگره با دشمن تعامل کنند.

حتی سـیگنال‌های دولت ترامپ نیز نشـان می‌دهد موضوع نرم‌شدن با ایران نیست. او در سخنرانی‌های انتخاباتی‌اش وعده داده است که در صورت پیـروزی در انتخابـات و در دولت دومش، با ایران توافـق خواهد کرد. این از طرفی به معنای تلاش برای برجسـته‌کردن دوباره مسئله ایران در انتخابات است و از سـوی دیگر می‌تواند از این حکایت داشته باشد که ایران در برنامه انتخاباتی ترامپ در سـتون وعده‌ها قرار دارد و نه در بخش برنامه‌های پیش از انتخابات.

این مسـئله البته به نظر بدیهی نیز می‌رسـد، چراکه در فضای سیاسـی عادی نیز تصمیمات سیاسـت خارجی دولت آمریکا، جز وقتی جنگی در کار باشـد، در فهرست اولویت‌های رأی‌دهندگان آمریکایی جایگاه بالایی نداشته است، تا چه رسد به شرایطی که شیوع ویروس کرونا، جدال‌های مدنی حقوق اقلیت‌های نژادی و چالش‌های جدی بین هویت دو حزب اصلی آمریکا، جای چندانی برای مسائلی مثل برجام در ذهن رأی‌دهنده آمریکایی باقی نگذاشته اسـت. تعامل فوری و فوتی و چندماهه با ایران به شـکلی که از نگاه برخی به کار امتیازگیری انتخاباتی بیاید، تلاشی با ریسک و موانع جدی خواهد بود، برای پروژه‌ای که در صورت شکست، پاس گلی خوب به رقیب شکل می‌دهد و در صورت موفقیت نیز، چنـدان توجه رأی‌دهندگان بالقوه ترامپ را جلب نخواهد کرد.

نیاز به تفاهم‌نامه همکاری مشترک بین وزارت خارجه و مناطق آزاد

محمود منزوی‌زاده
کارشناس ارشد
وزارت امور خارجه

در سـال جهش تولید یکی از ابزارهای اصلی ایجاد جهـش در تولید، جذب سـرمایه‌های خارجی اسـت؛ موضوعی که می‌تواند علاوه بر جهش تولید به افزایش اشـتغال و تقویت مناسبات سیاسـی در پس‌کرانه‌های روابط عمیق اقتصادی منتهی شـود. عموما کشورهایی که مناسـبات اقتصادی نزدیکی دارند لاجرم از مناسبات نزدیک سیاسی نیز برخوردار خواهند بود.

اما مناسـبات اقتصـادی در عرصـه بین‌المللی چه زمانی شـکل می‌گیرد؟ زمانی که سـود بیشـتری عاید فعـالان اقتصادی شـود. هرچه امنیت سـرمایه‌گذاری بالاتر، سود بیشـتر و هزینه‌ها کمتر باشد، رغبت فعالان اقتصـادی بین‌المللی و حتی چندملیتی برای حضور در آن جغرافیای سیاسـی و اقتصادی خاص بیشتر خواهد بود. یکی از محدوده‌هـای جغرافیایی که اولا هیچ‌گونه مالیـات بر ارزش افـزوده در آن از هیچ فعال اقتصادی دریافت نمی‌شود ثانیا تا ۲۰ سال مالیات بر درآمد آن برای هر شـخص حقیقی و حقوقی که مشـغول به فعالیت است به نرخ صفر محاسبه می‌شود، ثالثا ورود و خروج کالا در آن منطقـه بدون عوارض گمرکی و به سـهولت انجام می‌شود، مناطق آزاد هفت‌گانه تجاری- صنعتی و منطقه آزاد فرودگاه امام خمینی (ره) است که دارای مرزهـای دریایی، هوایـی و زمینی با بیشـترین ظرفیت پروازهای بین‌المللی در کشور هستند. مناطق آزاد کیش و قشم با ظرفیت دسترسی به آب‌های آزاد و بین‌المللی و منطقـه آزاد چابهار با پتانسـیل مجـاورت اقیانوس هند، منطقـه آزاد انزلی با ظرفیت مراودات اقتصادی با کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (CIS) و مناطق آزاد اروند، ارس و ماکو با پتانسیل مجاورت در کنار کشورهای پرجمعیـت همسـایه، همگـی می‌توانند سـکوهای صادراتی کشور باشند. به این ترتیب تجارت خارجی اعم از اینکه با دولت‌ها باشد یا با فعالان اقتصادی، قواعدی دارد که طرفین باید به آن اشراف داشته باشند در غیر این صورت، تجارت موفق و پایداری شکل نخواهد گرفت.

در ماده ۸ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد مصوب سـال ۱۳۷۲، همه سـازمان‌های مناطـق آزاد مجاز به انعقـاد قرارداد با اشـخاص حقیقـی و حقوقی اعم از داخلی و خارجی هسـتند و مقرر شـده که اختلاف‌ها و دعاوی ناشی از این قراردادها حسب توافق و تعهدهای قـراردادی دو طـرف با رعایـت اصول قانون اساسـی رسـیدگی و حل‌وفصل شود. موضوعی که در اساسنامه سـازمان‌های مناطق آزاد در بند الف مـاده ۱۷ نیز ذکر شده و اختیار تعیین روش اجرائی انعقاد قرارداد و حتی مشـارکت را به اعضای هیئت‌مدیره این سازمان‌ها داده است؛ اختیارات بالای قانونی که به سازمان‌های مناطق آزاد برای اهداف کلان و بلندمدت اقتصادی اعطا شـده است. اما جلب و جذب سرمایه‌گذاران خارجی و مستقر در کشورهای دیگر، قبل از حضور آنها در ایران و شناخت آنها از مناطق آزاد ایران، چگونه می‌تواند صورت گیرد؟ بدیهی اسـت که در این خصوص به تخصص و تجارب موجود در وزارت امور خارجه نیازمندیم.

وزارت امـور خارجه با توجه بـه وظایف ذاتی خود در قانـون وظایف وزارت امـور خارجه (مصوب ۱۳۶۴) همواره به رصد ملاحظات سیاسـی خارجی در راستای حفظ منافع جمهوری اسـلامی ایران در سـایر کشورها پرداخته اسـت. در قانون وظایف وزارت امور خارجه از جمله وظایف این وزارتخانه در بند ۷ ماده ۲ ذکر شده:

«همکاری بـا دسـتگاه‌های اجرائی کشـور و ارائه نظریات لازم بـا رعایت ملاحظات سیاسـی خارجی در جهت بررسـی و تهیه طرح‌های مربوط بـه برقراری و گسترش مناسبات اقتصادی، فرهنگی، علمی، فنی و...».

هرچند این موضوع در قالبی دیگر و با ادبیاتی که حاکی از وظایف سـایر دستگاه‌های اجرائی در قبال وزارت امور خارجه است در ماده ۳ قانون وظایف وزارت امور خارجه نیز به این شرح ذکر شده:

«کلیـه نهادهـا و ارگان‌هـای جمهوری اسـلامی مکلف‌اند در تنظیم مناسـبات و برقراری هر نوع ارتباط بـا دول خارجی و انعقاد قـرارداد و همکاری‌های فنی، اقتصادی، فرهنگی، علمی و نظامی با کشورهای خارج و سـازمان‌های بین‌المللی هماهنگی سیاسـی لازم با وزارت امـور خارجه به عمل آورده و وزارت امور خارجه نیز مکلف است نسـبت به فراهم‌آوردن موجبات تأمین هماهنگـی و ایجاد ارتباط و تسـهیلات لازم براسـاس اصول و سیاست‌های خارجی و حفظ مصالح جمهوری اسلامی ایران اقدام لازم را معمول دارد».

حال با این اوصاف، برای گسترش مناسبات اقتصادی مناطق آزاد ایران با فعالان اقتصادی خارج از ایران (چه اشخاص و چه دولت‌ها) اعم از اینکه توسط سازمان‌های مناطق آزاد ایران باشد یا توسط فعالان اقتصادی مستقر در آنها، به دو مورد نیاز داریم:

اولا قوانینی ساده جهت انواع گسترش سرمایه‌گذاری بین‌المللی که البته قوانین مناطق آزاد ایران از این جنس هستند.

ثانیا آشنایی با کشورهای هدف و ظرفیت‌های سیاسی - اقتصـادی موجـود در آنها و انتخـاب بهترین روش گسـترش مناسبات اقتصادی با این کشورها، ظرفیتی که در وزارت امور خارجه موجود است.

شناسـایی و هماهنگی‌هـای لازم در ایـن خصوص یکـی از ظرفیت‌های موجود در بخش‌هـای اقتصادی نمایندگی‌هـای جمهـوری اسـلامی ایـران در سـایر کشورهاسـت کـه می‌تواند زمینه تشـکیل مناسـبات اقتصـادی عمیق و گسـترده‌ای بین فعـالان اقتصادی خارجی و مناطق آزاد ایران ایجاد کند.

بنابراین باید اذعان کرد که در سـال جهش تولید و با هدف توسعه سرمایه‌گذاری‌های خارجی، نیازمند تدوین تفاهم‌نامه‌ای بین سازمان‌های مناطق آزاد و وزارت امور خارجه هسـتیم تا به این ترتیب ضمن همسویی فعالان اقتصـادی در مناطق آزاد و سـازمان‌های مناطق آزاد با رویه‌های دیپلماتیک وزارت امور خارجه، شـاهد رعایت حقوق بین‌الملل عمومی در مناسبات فی‌مابین و حفظ حقـوق بین‌الملل خصوصی به نفـع فعالان اقتصادی کشورمان با هدف جهش تولید باشیم.

ادامه از صفحه اول

تفاوت خبر با شایعه و توقیف «جهان صنعت»

این توقیف قانونی نیسـت. این مطلب مصداق شایعه (بند ۱۱) نیسـت زیرا یک مقام مسئول گفته است. از نظر اصول حرفه‌ای و نیز حقوق مطبوعات، آنچـه یک مقـام مسـئول در حدود مسـئولیتش می‌گوید «خبر» اسـت، نه شایعه؛ حتی اگر آن خبر دروغ باشـد. از ارکان «شـایعه» این است که منبع مشخص ندارد یا اگر هم دارد، منبع معتبر یا مطلع نیسـت. مطلبی که منبعی معیـن دارد و آن منبع یک فرد مسئول اسـت، شایعه محسوب نمی‌شود. مصاحبه جهان صنعت با کسی است که به عنوان عضو ستاد مقابله با کرونا مشهور است. اگر مطالب آقای محبوب‌فر را پزشک دیگری می‌گفت که عضو ستاد مقابله با کرونا نبود، از نظر حقوقی خیلی فرق می‌کـرد. در این صورت با نظرات شـخصی مواجه بودیم که مطالبی که می‌گوید فاقد منبع است و باید رسانه درباره آنها بررسی بیشتری می‌کرد.

ممکن است سـتاد مقابله با کرونا بگوید همه آن مطالب نادرسـت است. شـاید هم حرف ستاد درست باشـد ولی اینجا تقصیر برعهده ستاد ملی مقابله با کروناسـت کـه نظام اطلاع‌رسـانی‌اش نامنظـم، غیرسیسـتماتیک و غیرحرفه‌ای اسـت. این‌روزهـا خیلی‌ها با عنوان عضو سـتاد مقابله با کرونا با رسـانه‌ها گفت‌وگو می‌کنند. ستاد می‌تواند به همه اعضای خود بگوید هر مصاحبه‌ای از سوی دربـاره وضعیت کرونا در ایران ممنوع اسـت مگر با اجازه سـتاد. اصلا ستاد می‌تواند اسامی اعضای خود را معرفـی کند تا روزنامه‌نـگاران هم بدانند اگر قرار به مصاحبه اسـت، با چه کسانی و در چه محـدوده‌ای گفت‌وگـو کنند. مگـر روزنامه‌نگار و رسـانه علم غیب دارند که بدانند چه کسانی عضو سـتاد مقابله با کرونا هستند؟ وقتی ستاد کرونا به سـنت جاری دولت، دوست دارد ساده‌ترین امور را هم نهانی انجام دهد، تقصیرش را گردن مطبوعات نیندازد. در همین مصاحبه، سـتاد می‌توانسـت به جای توسل به هیئت نظارت بر مطبوعات و کشیدن تیغ توقیف بر گردن یک روزنامه، بیانیه‌ای توضیحی بدهد و آنچه را درسـت می‌داند بـه اطلاع مردم برساند و مطالب ناصحیح را تکذیب کند.

برای همه مسـائل مطبوعـات اولین راهی که همیشـه به ذهن می‌رسـد، توقیف اسـت. از یک سو این همه مشکلات رسـانه‌ها را دولت به هیچ انگاشته اسـت، اما از سوی دیگر چنان شده است که دولت و دیگران هیچ وقت سراغی از مطبوعات و روزنامه‌نگاران نمی‌گیرنـد، جز وقتی که قرار به توقیف روزنامه و بی‌کاری روزنامه‌نگار است.

ادامه از صفحه ۳

سیاست‌پژوهی در مدیریت ویروس کرونا

بلکه به‌شدت تحت تأثیر نظام مدیریت غیرعقلانی ترامپ قرار دارد و بیشتر نتیجه بی‌منطقی است. این خلاصه‌ای از تحلیل علل نابسـامانی‌ها در مدیریت کرونای کشور بود که امروز نتایج نه‌چندان خوشایند آن را به چشـم می‌بینیم و می‌توان آن را در چند بند نهایی خلاصه کرد:

۱- نداشتن دکترین و استراتژی بلندمدت توسعه نظام سـلامت در کشور و اصرار بر حرکت بر مسیر جامعه کوتاه‌مدت و عدم حفاظت و گاه متلاشـی‌کردن تمام قدم‌های مثبت توسـعه‌ای قبلی در نظام سـلامت کشور (نظام شبکه کشور، معاونت یکپارچه سلامت؛ مرکز مدیریـت و کنترل بیماری‌ها، پایلوت پزشـکی خانواده، دبیرخانه شورای عالی سلامت و...)

۲- تضاد منافع عمیق سیاست‌گذاران بخش سلامت کشور در سـطوح مختلف کلان تا خرد و تأثیر بسیار زیاد گروه‌های فشار و منافع در سیاست‌های سلامتی در کشور

۳- نداشـتن دانش کافی و جامع در سیاست‌گذاران بخش سلامت کشور

۴- استفاده از مدیران کم‌سواد و غیرحرفه‌ای در نظام سلامت کشور و در حوزه بهداشت و پیشگیری

۵- عدم توسعه نظام سـلامت و ثبت و پیشگیری و مراقبت ملی توانمند و آگاه از شواهد در کشور

۶- غلبه نـگاه پزشـک‌مداری درمانگرایانه در نظام سیاسـت‌گذاری و تخصیص منابع نظام سـلامت و تضعیف بخش بهداشت عمومی و پیشگیری

۷ - غلبه تصمیمات سیاسـی- امنیتی بر تصمیمات سیاسی - سلامتی

۸- کاهش سـطح مقابله ملی با ویـروس کرونا به سطح مواجهه فنی توسط وزارت بهداشت

۹- نداشتن سازوکار مطالعات دقیق اپیدمیولوژیک و سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد دقیق علمی

۱۰- اختلافـات سیاسـی و رقابت‌هـای جناحـی و غفلت و اسـتفاده‌نکردن از دانشـمندان درجه اول کشـور خصوصا در علوم انسـانی و علوم بهداشتی در رشـته‌های مختلف در امر سیاست‌گذاری مقابله و کنترل پاندمی کووید۱۹ در کشور

۱۱- شدت بالای ضربه ویروس کرونا در کشور.

این نوشـتار در شـماره بعدی ضمـن ارائه تحلیلی از سـناریوهای پیش‌رو در جهـان تحت‌تأثیر پاندمی کرونایـی به موضـوع جنبش ضدگرسـنگی و چه باید کرد در چارچوب سیاسـت‌های تجویزی خواهد پرداخت.

سند کمپانی و بنچاق موتورسیکلت KEEWAY AJX150 رنگ قرمز مدل ۱۳۹۵ به شماره موتور 0149N23100108 و شماره شاسی N23***150B9500819 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز خودرو سایپا تیبا ۲ رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۷ به شماره پلاک ایران ۲۲ _ ۷۴۹ ط ۷۳ و شماره موتور M15/8667814 و شماره شاسی NAS821100J1189489 به نام بهزاد شاهین سرخه مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

پروانه اشتغال به کار خدمات فنی و آزمایشگاهی بنام آقای یوسف رفیق خواه کارمند شرکت آزما خاک سه بعدی به شماره ۰۰۰۷۸-۱۰-۱۸ مفقود شده است و از درجه اعتبار ساقط میباشد.

سند کمپانی خودرو پژو 206TU5 رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۶ به شماره پلاک ایران ۲۰ _ ۳۶۶ ص ۲۷ و شماره موتور 174B0005651 و شماره شاسی NAAP13FE2HJ103399 به نام محمد حسین شکوهی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.